

## گفتاری کوتاه درباره شرح شنتمری بر اشعار شعرای جاهلی

اثر: دکتر عزت ملا ابراهیمی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۳۳۷ تا ۳۴۷)

### چکیده:

پژوهشگران مسلمان از همان آغاز کتابت در سده دوم هجری به جمع‌آوری و تدوین ادب کهن عربی دست یازیدند، بر آن شرح و تعلیق فراوان نگاشتند و در آثار خود سخت به آن تمثل جستند. تدوین و گردآوری اشعار کهن در مجموعه‌های نفیس و ارزنده سبب شد تا شعر از گزند تحریف و دستبرد مجدد مصون ماند. در میان منتخبات و جنگهای شعری، شرح اعلم شنتمری بردواوین شعرای جاهلی که از روایات و گزیده‌های مفصل شعری آکنده است، بیش از دیگر شرحها شهرت یافت، چنانکه نویسندگان متأخر به نوشته‌ها و روایتهای آن سخت استناد جستند. شرح احمد بن امین شنقیطی بر معلقات و دهها کتاب ادبی دیگر شاهد صادقی بر این مدعاست. نگارنده در این مقاله بر آن است تا به بررسی جنبه‌های گوناگون شرح اشعار شعراء الستة الجاهلیین بپردازد.

واژه‌های کلیدی: شنتمری، اشبیلیه، اشعار جاهلی، روایت شعر،

دیوان شعرای جاهلی.

## مقدمه:

شعر به عنوان قدیمی‌ترین گنجینه عرب برای شناخت واژگان مهجور و نامأنوس بهترین مأخذ به شمار می‌آید. افزون بر آن شعر برای آگاهی از احوال عرب باستانی و اخبار مربوط به آنان دایرةالمعارف مهمی است. از این رو دانشمندان مسلمان از آغاز کتابت به جمع‌آوری و تدوین ادب کهن عربی پرداختند. البته ناگفته نماند که روایت شعر جاهلی از همان آغاز تدوین با تصحیح و تنقیح همراه بود. دانش پژوهان، راویان و لغت‌شناسان شعر کهن عرب را از آلودگیهای بسیار پیراستند و در کمال مهارت سره را از ناسره باز شناختند. در نتیجه جوهره شعر با دقت محافظه‌کارانه آنان محفوظ ماند و بخش عظیمی از آن به نسلهای آینده منتقل شد. پس از پایان مرحله پیرایش شعر کهن و نقد و بررسی آن، نویسندگان حقیقت پژوه مانند پیشینیان خود تنها به حافظه اعتماد نکردند، بلکه آن را یادداشت، تدوین و نگهداری کردند تا از گزند دستبردی مجدد مصون ماند.

در میان منتخبات ادبی و جنگهای شعری که در سده سوم هجری پدید آمد و دامنه آن تا سده پانزدهم نیز گسترش یافت، بجاست که از شرح شنتمری بر اشعار کهن جاهلی یاد کنیم. پیش از بررسی و تحلیل جنبه‌های ادبی این شرح، نخست نگاهی گذرا به زندگی شخصی، مقام علمی و ادبی شنتمری می‌افکنیم.

## زندگینامه

یوسف بن سلیمان بن عیسی شنتمری، ادیب، نحوی، لغت‌شناس و نویسنده مشهور عصر ملوک الطوائف بود که در ۴۱۰ ق / ۱۰۲۰ م در شنتمریه واقع در جنوب غربی اندلس دیده به جهان گشود. نسبت شنتمری او از اینجا ناشی شده است (کتاب الصلّة، ج ۲، ص ۶۴۳؛ و فیات الاعیان، ج ۷، ص ۸۱، ۸۳) افزون بر آن به سبب شکاف بزرگی که در لب وی پدید آمده بود، به "اعلم" نیز ملقب گردید (نکت الهمیان فی نکت العمیان، ص ۳۱۳) شنتمری در زادگاه خویش رشد و کمال

یافت و در همانجا به فراگیری مقدمات علم و ادب پرداخت. در ۴۳۳ ق / ۱۰۴۳ م به منظور تکمیل دانش خویش به قرطبه رفت و در محضر مشاهیر آن سامان، نخستین مایه‌های شعر و ادب، نحو و لغت و آیین روایت را کسب کرد (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۵۵۶).

اعلم شنتمری در عصر بنی عباد که خورشید علم و تمدن آنان درخشیدن گرفت و میوه‌های فرهنگ و ادب نضج یافت، رو به دربار عبادیان در اشبیلیه نهاد. وی نخست در سایه عنایت و یژه المعتضد بالله و سپس در پرتو توجه معتمد بن عباد در آن سامان بزیست و سراسر عمر خود را به اشارت و حمایت آن امیران فرهیخته عبادی در راه تألیف و تصنیف سپری کرد (الذخیره فی محاسن اهل الجزیره، ج ۲، ص ۴۷۴). به تدریج آوازه دانش و مهارت شنتمری در آفاق پیچید، به گونه‌ای که انبوه دانش پژوهان از دور و نزدیک برای فراگیری علم به نزد وی می‌شتافتند (انباء الرواة علی أنباه النحاة، ج ۴، ص ۶۰؛ خریدة القصر و جريدة العصر، ج ۳، ص ۴۶۹). بدینسان اعلم در زمرة اساتید بزرگ اشبیلیه درآمد و در مسائل ادبی و نحوی صاحب نظر گردید (الاحاطة فی اخبار غرناطة، ج ۲، ص ۱۱۵).

تسلط او بر لغت، ادب و شعر و احاطه‌اش به دقایق صرف و نحو سبب شد که در سراسر اندلس به نحو دانی شهرت یابد و به "اعلم نحوی" ملقب گردد (مرآة الجنان، ج ۳، ص ۱۵۹؛ معجم الادب، ج ۷، ص ۳۰۷). گویند در حفظ الکتاب سببویه و آگاهی از لطائف آن همتایی نداشت و سرآمد همگان بود. او همچنین انبوهی از اشعار عرب را از برداشت و به دقت و شناخت عمیق آنها شهره گشت.

### مقام علمی و ادبی شنتمری:

دانشمندان متأخر با دیده احترام از اعلم شنتمری یاد کرده‌اند و او را به دانش، ادب و پارسایی ستوده‌اند و از مقام علمی و منزلت ادبی وی به نیکی سخن گفته‌اند. ابن بشکوال او را آگاه به زبان عربی و معانی اشعار می‌داند (کتاب الصلة، ج ۳، ص ۶۴۳).

عماد کاتب اصفهانی وی را علامه دهر، یگانه عصر و مظهر علوم زمانه خوانده است (خریده القصر، قسم شعرای مغرب و الاندلس، ص ۳۶۹). یاقوت حموی (معجم الادبا، ج ۷، ص ۳۸۰)، علی بن یوسف قفطی (إبناء الرواة علی أنباء النحاة، ج ۴، ص ۵۹) و ابوالفداء (المختصر فی تاریخ البشر، ج ۲، ص ۱۹۵) هر کدام به نوبه خود از ستایش دانش وسیع و شناخت عمیق او نسبت به اشعار عرب دریغ نورزیده اند.

هر چند اعلم شنتمری در مسائل نحوی بیشتر از دیدگاههای پیروان مکتب بصره پیروی می کرد، اما آراء او در برخی موارد با آراء جمهور نحویان متفاوت بود. تعریف اصطلاحات، بیان دلالت‌های آنها، ایجاد تقسیمات جدیدی از جمله در مکان و زمان، ذکر تفاوت‌های متشابهات، استمداد از آیات قرآن افزون بر تمثل به شعر کهن عرب، از ویژگی‌های منحصر به فرد او در بیان مسائل نحوی است: اساس کار او را بازگشت به مکتب سبویه و انتقاد از نوآوری‌های ابوعلی فارسی و ابن جنی تشکیل می دهد. آراء و نظریات شنتمری در تألیفات نحویان پس از او به ویژه معاصرانش بسیار سودمند بوده و فراوان به آن استشهاد کرده اند (به عنوان مثال نک: ابو حیان غرناطی، تذکره النحاة، ص ۲۲۳-۲۲۴، ۲۵۰، ۲۵۸؛ ابن هشام، تخلص الشواهد و تلخیص الفوائد، ص ۳۱۷؛ همو، مغنی اللیب، ص ۲۱۷ و صفحات متعدد دیگر).

## وفات:

اعلم شنتمری در اواخر عمر نابینا شد و سرانجام در ذی القعدة ۴۷۶ ق / ۱۰۸۴ وفات یافت و در اشبیلیه به خاک سپرده شد (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۵۵۶)

## مؤلفات:

از وی آثار فراوانی بر جای مانده است، که از این قرارند:  
تحصیل عین الذهب من معدن جوهر الادب فی علم مجازات العرب، در شرح شواهد الكتاب سبویه، (چاپ بولاق، ۱۳۱۶ ق و بیروت، ۱۳۷۸ ق).

شرح ابیات الجمل زجاجی؛ شرح دیوان الحماسه ابی تمام؛ شرح دیوان ابوالطیب المتنبی؛ الفرق بین المسهب و المسهب؛ فهرسه؛ المخترع فی النحو؛ المسألة الرشیدیة؛ المسألة الزنبوریة؛ معرفة حروف المعجم؛ النکت فی کتاب سیبویه (معجم الادباء، ج ۷، ص ۳۸۰؛ إنباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۴، ص ۶۰؛ فهرسه، ۳۱۴-۳۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳؛ نفح الطیب، ج ۴، ص ۷۷-۸۶؛ كشف الظنون، ج ۱، ص ۶۰۴).

### شرح اشعار الشعراء الستة الجاهلیین:

مهمترین اثر اعلم شنتمری که بعدها مرجع استفادة محققان و دانش پژوهان بیشمار گشت و شهرت فراوانی برای مؤلفش به ارمغان آورد، کتاب شرح اشعار شعراء الستة الجاهلیین است.

اعلم شنتمری در این کتاب، همانگونه که خود در مقدمه مختصرش اشاره می‌کند، به شرح اشعار امرؤالقیس، نابغه ذبیانی، علقمة الفحل، زهیر بن ابی سلمی، طرفه بن عبد و عنتره بن شداد می‌پردازد. شنتمری می‌گوید: «در نظر داشتم که دیوانی از اشعار عرب را فراهم آورم تا مرا در فهم و درک جملات منظوم و منثور تازیان یاری بخشد. بنابراین اشعاری را برگزیدم که مورد اجماع تمام راویان و زیانزد عام و خاص بود (شرح اشعار شعراء الستة الجاهلیین، ص ۲). به طور کلی می‌توان ارزش منحصر به فرد این اشعار در ادبیات عرب، طولانی بودن قصاید آنها و توجه شاعر به بیان حوادث تاریخی و نقل ایام العرب را سبب گزینش این اشعار توسط شنتمری دانست.

کتاب شرح اشعار الشعراء الستة الجاهلیین که تقریباً حدود هزار سال پیش تدوین شده، ویژگیهای خاصی دارد که تازگی و طراوت آن را تا به امروز تداوم بخشیده است. زیرا نگارنده برای تدوین اثر خود به بیش از هزار شرح اشعار جاهلی مراجعه کرده و چون آنها را ناقص یافته، به تألیف شرح قصاید کهن پرداخته است

(شرح اشعار شعراء السنة الجاهلین، ص ۲-۳). شنتمری این کتاب را به فرمان معتمد بن عباد نگاشت و به او تقدیم داشت (شرح دیوان علقمه، ص ۲۷).

هوشمندی مؤلف در بررسی و عرضه مطالب، بی طرفی عالمانه، فروتنی و خردمندی او سبب شده که همگان به سهولت تمام و با علاقمندی بی شائبه‌ای از پرداختن به شرح قصاید کهن سرباز زند و تنها شرح اشعار شنتمری را مورد استناد قرار دهند (به عنوان مثال نک: شرح معلقات، ص ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۱۱۰، ۱۱۲ و صفحات متعدد دیگر؛ المجانی الحدیث، ج ۱، ص ۶۱، ۶۵-۶۷ و صفحات دیگر؛ مصادر الشعر الجاهلی، ۳۹ و ۹۳ و صفحات دیگر).

عبدالقادر بغدادی که خود یکی از عمده‌ترین نویسندگان تاریخ ادب عربی است، عنایت خاصی به این اثر داشت و در تدوین خزانه‌الادب فراوان از آن سود جست (نک: ج ۱، ص ۱۸-۱۹، ۲۱-۲۲، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۷، ج ۳، ص ۱۰، ج ۴، ص ۳۰۵ و صفحات متعدد دیگر). زیرا شنتمری توانسته بود، مجموعه اشعار شعرای جاهلی را با دقت و در قالب دلنشین‌تری عرضه کند. اعلم پیوسته می‌کوشید تا لحن روان و بی پیرایه خود را در شرح این اشعار منعکس سازد. به تدریج این کتاب سرمایه علمی و ادبی دانشمندان و توشه‌ای برای سرودن شعر در نزد آنان گشت. چنانچه در شرح حال ابن خلدون گفته‌اند که وی اشعار کتاب شنتمری و برخی از گزیده‌های اغانی را به خاطر سپرده بود.

اعلم شنتمری روایت عبدالملک اصمعی را صحیح‌ترین و مورد اعتمادترین روایتها می‌داند. از این رو در تدوین مجموعه دواوین شعرای شش گانه جاهلی، نخست به روایت اصمعی تمثل می‌جوید، آنگاه به ذکر قصایدی می‌پردازد که توسط دیگر راویان نقل شده و از سلسله سند موثقی برخوردار است، همچون روایت مفضل صبی، مفضل بن سلمه و ابو عمرو شیبانی.

نهایت دقت و حفظ امانت اعلم شنتمری را وامی‌دارد که در موارد مشکوک جانب احتیاط را فرو نهد. او در مجموعه شعری خود همه جا به نام اصمعی تصریح دارد و حتی اگر یک بیت یا یک کلمه به غیر او منتسب باشد، از دید منتقدانه

اعلم مخفی نمی ماند.

اسلوب اعلم در این کتاب از سادگی و وضوح چشمگیری برخوردار است. نویسنده هیچ گامی در راه علوم بدیعی برنداشته و در تخیل، تشبیه و رمزآوری تکلفی را بر خورد هموار نساخته است. عبارات او شیرین، خالی از حشو، کوتاه و پرمعنی است از اطناب و گزافه گویی سخت می پرهیزد تا موجبات ملالت خواننده اش را فراهم نسازد. وی به گزینش الفاظی که بر مدلول دلالتی تام دارند، علاقه دارد و گاه دقت را تا حد وسواس در تطبیق کلمه با مدلولش به کار می گیرد. توجه او به تدقیق و واقع گرایی در اسلوب موجب آن نگشته تا وی به کلی از تشبیهات و تصاویر ذهنی روی برتابد، بلکه تعدادی از آنها را در اثرش می توان یافت، همه هر کدام سر جای خود نشسته اند و کاملاً طبیعی، بیانگر، ساده، دور از غرابت و پیچیدگی اند. در کلام او جملات معمولاً کوتاه برانزده و آشکارند عباراتی که تطویل و اتساع یافته اند، هرگز موزونی خود را از دست نداده اند.

اعلم شنتمری با زبانی ساده و بی تکلف به توضیح و تفسیر واژگان نامأنوس و دشوار اشعار از نظر لغوی و نحوی می پردازد و مفردات و معانی آنها را واضح می سازد. آنگاه به تبیین مفهوم کلی اشعار دست می زند و از ارائه دیدگاههای خویش غفلت نمی ورزد. شنتمری برای اثبات آراء خود به امثال و شواهد شعری فراوان تمثل جسته است. شیوه کار او در شرح اشعار تقریباً یکسان و هماهنگ است. در آغاز هردیوان به ذکر شمه ای از رویدادهای تاریخی، شرح حال مختصری از شاعر، بیان اغراض شعری از مدح، رثا و هجاء می پردازد. وی تاریخچه مختصری از اختلافات و کشمکشهای میان قبایل و مناسبت سرودن هر قصیده را بازگو می کند.

### نسخه های خطی شرح اشعار الشعراء الستة الجاهلیین

نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه های گوناگون جهان پراکنده است. از جمله:

در کتابخانه پاریس دو نسخه از آن به شماره‌های ۱۴۲۴ و ۱۴۲۵ یافت می‌شود. نخست در ۵۷۱ هجری و نسخه دوم در سده یازدهم هجری استنساخ شده است. در کتابخانه غوطه نیز نسخه خطی دیگری به شماره ۵۴۷ نگهداری می‌شود. همچنین دو نسخه خطی آن به شماره‌های ۸۱ و ۵۴ در دارالکتب مصر موجود است. استنساخ نسخه اول آن در جمادی الثانی ۱۲۸۲، در ۱۶۴ صفحه و بازنویسی نسخه دوم در ۱۲۶۲ ق، در ۱۶۰ صفحه به پایان رسیده است.

### نسخه‌های چاپی شرح اشعار الشعراء الستة الجاهلیین

نخستین بار دیسلان، خاورشناس فرانسوی در ۱۸۳۶ م قسمتی از شرح شنتمری را به همراه دیوان امرؤالقیس با نام نزهة ذوی الکیس و تحفة الادباء فی قصائد امرئ القیس در پاریس منتشر ساخت. این چاپ از روی نسخه خطی کتابخانه پاریس فراهم آمده بود. همچنین ویلیام آلوارد، خاورشناس آلمانی در ۱۸۷۰ م با اعتماد به همین نسخه خطی، مجموعه کامل شرح شنتمری را در لندن به چاپ رساند و آن را العقد الثمین فی دیوان الشعراء الستة الجاهلیین نام نهاد. این خاورشناس پس از تهذیب و تصحیح شرح شنتمری مقدمه عالمانه‌ای بر آن نگاشته است. از آن پس شرح شنتمری در مونیخ (۱۸۹۲ م) به چاپ رسید. آنگاه در ۱۹۳۰ م مصطفی سقا مستخرجاتی از آن را در ضمن کتاب مختار الشعر الجاهلی گنجانید. در ۱۹۴۵ م این اثر به کوشش محمد عبدالمنعم خفاجه منتشر شد و سرانجام در ۱۹۸۲ م انتشارات دارالفکر لبنان مجموعه کامل شرح شنتمری را به چاپ رساند.

به سبب اهمیت و اعتباری که این شرح دارد، مستشرقان و پژوهشگران عرب بعدها در صدد برآمدند تا این دواوین شش‌گانه را از هم تفکیک نمایند. آنان افزون بر اشعار برگزیده شنتمری، به جمع آوری دیگر اشعار شعرای شش‌گانه پرداختند و در نهایت دیوان جامع و مستقلی از برای هر شاعر جاهلی تدوین کردند. از آن



جمله‌اند:

- ۱- دیوان امرؤ القیس، چاپ ۱: پاریس، ۱۸۳۷ م، به کوشش دیسلان، چاپ ۲: قاهره، ۱۹۸۵ م، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم.
- ۲- دیوان زهیر بن ابی سلمی، چاپ ۱: لیدن ۱۸۸۹ م به کوشش لندبرگ؛ چاپ ۲: دمشق، ۱۹۷۰ م، به کوشش فخرالدین قباوه.
- ۳- دیوان طرفه بن العبد، چاپ ۱: بیروت، ۱۸۸۶؛ چاپ ۲: برلین، ۱۸۹۵ م؛ چاپ ۳: پاریس ۱۹۹۷ م، به کوشش سلیگسون، همراه با ترجمه اشعار به زیان فرانسه و بیان مقدمه تاریخی مفصلی بر دیوان؛ چاپ ۴: دمشق، ۱۹۷۵ م، به کوشش لطفی صقال و دریه خطیب.
- ۴- دیوان علقمة الفحل، چاپ ۱: قاهره، ۱۲۹۳ ق؛ چاپ ۲: الجزایر، ۱۹۲۵ م، به کوشش ابن ابی شنب؛ چاپ ۳: دمشق، ۱۹۶۹ م، به کوشش لطفی صقال و دریه خطیب.
- ۵- دیوان عنتره، به کوشش محمد سعید مولوی در مجله المکتب الاسلامی در دمشق.
- ۶- دیوان النابغة، به کوشش درنبرگ در مجله آسیایی فرانسه در ۱۸۶۸ م.

نتیجه:

امید است که تحقیق حاضر بتواند به خوانندگان خود اطلاعاتی هر چند اندک اما دقیق و روشن عرضه کند، که هم ارزش فراگیری داشته باشد و هم از برای تحقیقات گسترده تر راه گشا باشد.

در هر حال امیدوارم این گزیده بتواند انگیزه تفکر را در پژوهشگران برانگیزد و به ارزیابی و بررسی آثار کهن ادبی وادارد.

## منابع و مأخذ:

- ١- ابن بسام، علي، الذخيره في محاسن اهل الجزيره، به كوشش احسان عباس، دارالثقافه، بيروت، ١٣٩٩ ق.
- ٢- ابن بشكوال، كتاب الصلة، به كوشش عزت عطار حسيني، نثر الثقافة الاسلاميه، قاهره، ١٣٧٤ ق.
- ٣- ابن خطيب، لسان الدين، الاحاطه في اخبار غرناطه، به كوشش محمد عبدالله عنان، مكتبة الخانجي، قاهره، ١٩٧٤ م.
- ٤- ابن خلكان، احمد، وفيات الاعيان، به كوشش احسان عباس، دارصادر، بيروت، ١٩٦٨ م.
- ٥- ابن خير اشبيلي، محمد، فهرسه، به كوشش فرانسيسكو كودرا، مطبعة قوش، سرقسطه، ١٨٩٣ م.
- ٦- ابن هشام، محمد، عبدالله، تخليص الشواهد و تلخيص الفوائد، به كوشش عباس مصطفى صالحى، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٩٨٦ م؛ همو، مغنى اللبيب، مكتبة العلميه الاسلاميه، تهران، ١٢٩١ ق.
- ٧- ابوحيان غرناطى، محمد، تذكرة النحاة، به كوشش عفيف عبدالرحمان، بيروت، ١٩٨٦ م.
- ٨- ابوالفداء، المختصر في اخبار البشر، دارالمعرفة، بيروت، ١٩٧١ م.
- ٩- اسد، ناصرالدين، مصادرالشعر الجاهلى، دارالمعارف، قاهره، ١٩٥٦ م.
- ١٠- بستانى، فؤاد افرام، المجانى الحديثه، مطبعة الكاثوليكيه، بيروت، ١٩٤٦ م.
- ١١- بغدادى، عبدالقادر، خزانه الادب، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الخانجي، قاهره، ١٩٨٦ م.
- ١٢- حاجى خليفه، كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، استانبول، ١٩٤١ م.
- ١٣- ذهبى، محمد، سير اعلام النبلاء، به كوشش شعيب ارتنؤوط و محمد نعيم عرقسوسى، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٩٨٤ م.
- ١٤- سيوطى، جلال الدين، بغية الوعاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، مطبعة عيسى البابى، مصر، ١٩٦٥ م.
- ١٥- شنتمرى، يوسف، شرح اشعار الشعراء الستة الجاهليين، دارالفكر، بيروت ١٩٨٢ م؛ همو، شرح ديوان عقلمة الفحل، دمشق، ١٩٦٩ م.
- ١٦- شنيطى، احمد، شرح معلقات، دارالكتب، بيروت، بى تا.
- ١٧- صفدى، خليل، نكت الهميان في نكت العميان، مطبعة الجماليه، قاهره، ١٩١١ م.

- ۱۸- عماد اصفهانی، خریدة القصر و جريدة العصر، به كوشش آذرتاش آذرنوش،  
الدارالتونسية، تونس، ۱۹۷۲ م.
- ۱۹- قفطی، علی، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، دارالكتب،  
قاهره، ۱۹۵۲ م.
- ۲۰- مقری، احمد، نفع الطيب، به كوشش احسان عباس، دارصادر، بيروت، ۱۹۶۸ م.
- ۲۱- يافعی، عبدالله، مرآة الجنان و عبرة اليقظان، مؤسسة الاعلمی، بيروت، ۱۹۷۰ م.
- ۲۲- ياقوت حموی، معجم الادباء، به كوشش مرگيلوت، مطبعة الهندية، قاهره، ۱۹۲۸ م.